

مرده ده آن زندگان مرا که سخن ها گوش فرامیدهند و بهترین آنها پیرو می کنند

ابوالحسن بنی صدر

انتظار اسلامی

هجرت

شماره ۵۸۱ از ۳ تا ۱۶ آذر ۱۳۸۲

میزان و "انتخابات"

هر جامعه ای نظام ارزشی دارد و تأسیسهای اجتماعی پدید می آورد، مقامهایی معین می کند برای آنکه به او راستش را بگویند. از آنجا که از دولتیان راست نمی شنود، این تأسیسها و مقامها را در بیرون از دولت پدید می آورد تا ملاحظه قدرت مدارها را نکنند و او را از حقیقت آگاه کنند. ایران دوران استبداد نیز این تأسیسها و مقامها را می داشت. عدالت میزان بود. از این رو، در جنبشهای ایرانی، عدالت اصلی از اصول راهنما بوده است. بدیهی است آنها که قصد فریب داشته و یا دارند، عدالت را نه میزانی که از آغاز، پندار و گفتار و کردار هر شخص و گروه را باید بدان سنجید که هدفی که در پایان کار، تحقق پیدا می کند، پیشنهاد کرده اند. در عمل، پس از قرنهای دربی عدالت رفتن، هنوز که هنوز است، ایرانیان به تشنه ای می مانند که هنوز به آب نرسیده باشد.

با اینحال، از تأسیسها و مقامهایی، انتظار پندار و گفتار و کردار عادلانه داشت. انتظار سخن حق گفتن نزد حاکم ستمگر داشت. انتظار حقیقت گویی و پرهیز از مفسدتی را داشت که نادیده گرفتن حق و حقیقت و، بنام مصلحت، دروغ گفتن است. پرسش امروز اینست: در ایران امروز، از آن تأسیسها و مقامها کدامیک به مردم راستش را می گویند؟ اگر در جامعه ای تأسیسها و مقامهایی که بخاطر گفتن حقیقت ایجاد شده اند راستش را به مردم نگویند، آن جامعه با کدام میزان راست را از دروغ تشخیص دهد؟ با کدام میزان این و آن شخص را که نامزد خدمت به او می شوند، شناسائی کند؟

این پرسش، پرسش مهمتری را پیش روی عقل می گذارد؟ چرا جامعه ارزشها را، حقها را، خود نمی شناسد و شناسائی آنها را بر عهده تأسیسهای چون تأسیس دینی، تأسیس تعلیم و تربیتی (مدرسه)، تأسیس رسانه ای و مقامهایی چون روشنفکران و روحانیان و معلمان و عارفان و... می نهد؟ چرا جامعه نمی داند حق و حقیقت میزانی است که می باید نسبت به آن، شناسائی و وجدان جمعی پیدا و این وجدان را داور کند؟ پاسخ اینست که ما از آن زمان که جریان رشد به پیدایش چنین وجدان جمعی شفاف بیجامد، بسیار دور هستیم. هر چند در آن زمان نیز در صفحه ۲

امریکا را سیاستی دگر آمد!

- بوش: بعد از ۶۰ سال حمایت از استبداد، اینک از مردم سالاری باید حمایت کرد. پاول: اسلام مخالف مردم سالاری نیست: ص ۱
- اتم و ترور و گفتگو با امریکا: ص ۵
- نقش پول و مقام و کین در تدارک اکتبر سورپرایز: ص ۶
- دو جبهه گرفتار کشماکشهای درونی و «معمای انتخابات»: ص ۷
- متن کامل جوابیه قاضی مرتضوی به کمیسیون اصل ۹۰ و نقد آن: ص ۸

- «قتلهای زنجیره ای» و تجاوزها به حقوق بشر: ص ۱۲

خبرها که در مجموعه نخواندهاید

● پنجمین سالگرد جنایتی که شهیدان، داریوش و پروانه فروهر و محمد جعفر پوینده و مجید شریف و محمد مختاری و ... قربانی آن شدند، در ۲ آذر، در تهران، حسینیه ارشاد، و در پاریس (۲۲ نوامبر برابر ۱ آذر) و شهرهای دیگر اروپا برگزار شد.

در تهران، استانداری به این عنوان که روز جمعه، روز راه پیمانی قدس است، مانع از برگزاری سالروز در ۳۰ آبان شد.

● ارتش به محسن رضانی پاسخ گفته و توضیح داده است در دوره اول جنگ، چسان ارتش زیر ضربات دشمن تجدید سازمان کرد، ابتکار عمل را از دشمن ستاند، از آن خود کرد و قوای دشمن را به عقب راند. فاطمه حقیقت جو به مداخله گریهای سپاه در ریز و درشت امور کشور اعتراض کرده است و سپاه به این اعتراض پاسخ گفته است. امیدواریم این متون را همراه با اطلاعاتی روشننگر، در شماره آینده از نظر خوانندگان بگذرانیم.

● آیه الله منتظری، غیر از مصاحبه با واشنگتن پست، در ۱۷ آبان، با خبرنگاری کاندانی نیز مصاحبه کرده و از جمله گفته است:

* خبرنگار: به نظر شما چرا اکثریت مردم ایران خواستار تغییرات و اصلاحات هستند؟

* منتظری: حقیقت مطلب این است که رژیم شاه با این که روزی ۶ میلیون بشکه نفت صادر می کرد، وضعیت اقتصادی کشور هم بد نبود هر چند حیف و میل نیز می شد ولی به مردم هم از همین پول نفت امکاناتی می رسید اما آنچه که در کشور ما نبود استقلال و آزادی بود و مردم برای این دو شعار اساسی انقلاب کردند، یعنی مردم خواستار آن بودند که کشور خارجی در امور داخلی کشورشان دخالت نکند و در ابراز عقائد و نظریات هم آزاد باشند.

مردم ایران انقلاب کردند تا دست اجانب از کشور کوتاه شود و حکومت از آن مردم باشد یعنی حکومتی باشد که برآیند خواست و نظر مردم باشد، شعارهای اساسی مردم استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود، بدین معنی که حکومت مردمی و بر اساس موازین اسلامی باشد.

ولی پس از گذشت سالها مردم دیدند آن شعارهای صدر انقلاب زیر پا گذاشته می شود، اصلاحاتی که گفته می شود، مطلب تازه ای نیست بلکه مقصود، عمل کردن به همان وعده های اولیه انقلاب است. دادگاه انقلاب که نامی از آن در قانون اساسی نیست با کسانی که اظهار نظر مخالف دارند برخورد های تند می کند، آنها را احضار، بازداشت و زندانی می نماید. دادگاه غیر قانونی ویژه روحانیت به گونه ای دیگر با روحانیون که نظر مخالف دارند برخورد می کند.

خود من به واسطه اظهار نظراتی که به آنها اعتقاد داشته و مصلحت می دانستم بیان کنم، بیش از ۵ سال محصور بودم، گذشته از بازداشتها، نزدیک ۱۰۰ نشریه را همین دستگاه قضایی تعطیل کرده و روزنامه نگاران را به زندان های طویل المدت محکوم کردند. من واقعاً

در صفحه ۱۶

انقلاب اسلامی: بوش، رئیس جمهوری امریکا، و پاول، وزیر خارجه او، اظهاراتی کرده اند که می توانند بسیار مهم و یا بدون هرگونه اهمیت باشد. به سخن دیگر، اهمیت آن بستگی دارد به تلقی مردم ایران از استقلال و عزمشان بر استقرار مردم سالاری. در صورتی که بخواهند مستقل و

آزاد باشند و بر این دو اصل مردم سالاری برپا کنند، سخن آقای بوش که نوعی پوزش بابت ۶۰ سال حمایت - نوعی اعتراف به حمایت از ملاتاریا و کودتای خرداد ۶۰ نیز هست - از رژیمهای استبدادی است می تواند بسی مهم باشد زیرا مردمی با استفاده از موقعیت، امریکا را ناگزیر می کند به قول خود وفا کند یعنی چون گذشته با مداخله مانع از استقرار مردم سالاری نشود. اما اگر مردم ایران بجای آنکه خود ابتکار عمل را در دست بگیرند ابتکار عمل را به قدرت امریکا واگذارند، سخنان این دو مقام خالی از هر اهمیتی می شود. در حقیقت، حمایت از مردم سالاری یعنی خودداری از هرگونه مداخله در امور ایران و بنا بر این، خودداری از سازش پنهانی با ملاتاریا. پس اگر مردم ایران به جنبش همگانی برخیزند، امریکا ناگزیر می شود از قول خود تخطی نکند و این بار، استقرار مردم سالاری با خطر مداخله خارجی روبرو نشود. مردم ایران نباید گمان کنند امریکا خود به این نتیجه رسیده است. مبارزه ها، بخصوص مبارزه ایرانیان معتقد به آزادی و استقلال (انقلاب ایران و پس از آن

آن، افشای سازشهای پنهانی و آشکار کردن خطای سیاست مداخله جویانه و جنایتها و...) قدرت امریکا را ناگزیر کرده است، دست کم در حرف، به ۶۰ سال مداخله گری بسود استبداد، سیاست خویش را تغییر دهد. اما از آنجا که بدون حرکت ملتها برای بازیافتن آزادی و استقلال، در عمل، همان سیاست سلطه جویانه به عمل در می آید و در خواهد آمد، لذا، فصل اول را به تغییر سیاست جدید امریکا، در حد سخن، و فصل دوم را به ماجرای اتم «اختصاص می دهیم.

فصل سوم دو فصل پیش را کامل می کند زیرا نقش پول و مقام و کین را در امریکا و در ماجرای گروگانگیری و نیز اکتبر سورپرایز آشکار می کند. فصل چهارم را به «انتخابات» و فصل پنجم را به جوابیه قاضی مرتضوی و فصل ششم را به خبرهای تجاوزهای به حقوق بشر اختصاص می دهیم.

بوش: بعد از ۶۰ سال حمایت از استبداد، اینک از مردم سالاری

باید حمایت کرد. پاول: اسلام مخالف مردم سالاری نیست:

در صفحه ۳

احمد روناسی

درباره کودتای ۲۸ مرداد - ۴

مصدق و یارانش، توانمندان، در مجلس و در میان مردم، هوجی گریهای جمال امامی و دیگر درباریان را، بر سر اموری چون «قتل عام ۲۳ تیر»، شناساندند و دستهای خونین سرلشکر بقانی، رئیس شهربانی منصوب شاه و سرلشکر زاهدی را نمایان می سازند. و نیز، نمایشهای حزب توده را در جهت خواست بیگانگان، افشا می کنند. تکیه به ملت، با برقراری آزادیهای فردی و

در صفحه ۱۴